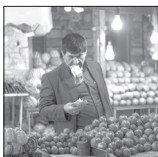


گلشن

■ گلشن مهر شناسنامه گلستان است

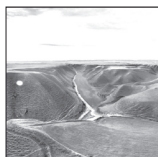
■ دوشنبه ۱۹ آبان ماه ۱۴۰۴ / سال بیست و هفتم / شماره ۳۰۷۶ / ۸ صفحه / ۲۵۰۰۰ تومان

بازار گلستان
در چنبره گرانی



۲

دشت گرگان، آینده‌ی فراموشی تعادل
«یادداشت»



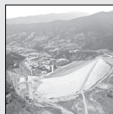
۳

بذرهای امید، برای آینده‌ی
روشن



۳

غول خاکی گلستان در آستانه
آبگیری



بندر چوب در هیچ جای دیگر جز گلستان
قابلیت اجرا ندارد



ادبیات



یادداشت اول

شادی آغاز

■ آزاده حسینی

آغاز هر مدیریت تازه، معمولاً با شور، امید و انگیزه همراه است. لحظه‌ای که گمان می‌بری مسیر تغییر، این بار روشن‌تر از گذشته خواهد بود. مدیر تازه‌وارد با برنامه‌ها، سلیقه‌ها و سیاست‌های نو پا به میدان می‌گذازد اما پرسش مهم این است که این «آغاز شاد» تا کجای مسیر دوام دارد؟ کارمندانی که سال‌ها رفت‌وآمد مدیران مختلف را دیده‌اند، خوب می‌دانند که بسیاری از این شروع‌ها، سرنوشتی مشابه دارند: چند هفته جلسات فشرده، چند اقدام مقطعی، چند عنوان مناسبی در گزارش‌ها، و سپس بازگشت به همان روند همیشگی. ریشه‌ی این چرخه را باید در نبود پیوند میان برنامه‌ها و ساختار سازمانی جست‌وجو کرد. تا زمانی که ایده‌ها در فرآیندهای پایدار جای نگیرند، تغییر در حد شعار باقی می‌ماند. مدیر (یا تیم جدید) با «شادی آغاز» وارد می‌شود اما تغییر مبتنی بر فرد، بدون تکیه بر ساختار و شناخت محیط، پایدار نمی‌ماند. تفاوت‌ها نادیده گرفته می‌شود، کارکنان همراه نمی‌شوند، و تعامل میان‌سازمانی به کندی شکل می‌گیرد. در چنین بستری، حتی مدیران پرنرتری نیز پیش از آن‌که برنامه‌ها به ثمر برسد، از حرکت بازمی‌مانند. این وضعیت در استان گلستان پیچیدگی بیشتری دارد. استانی که سال‌هاست به «زنگین کمان اقوام» شهرت دارد. از اداره ای کوچک گرفته تا یک کلاس درس، تنوع فرهنگی و زبانی قابل مشاهده است. اما این ظرفیت ارزشمند، اگر درست شناخته نشود، خود می‌تواند به مانعی برای انتقال پیام «تغییر» تبدیل شود. در بسیاری از شهرستان‌ها سه‌جز مرکز استان که به‌واسطه تمرکز امکانات، رشد بیشتری دارد- پویایی لازم دیده نمی‌شود؛ و بخشی از این وضعیت، به گسست ارتباطی میان مدیران و دستگاه‌های مختلف بازمی‌گردد. مدیری که بدون شناخت اقوام، زبان‌ها و حساسیت‌های فرهنگی وارد عمل شود، از همان ابتدا در تبیین «چرایی تغییر» دچار دشواری می‌شود. برنامه‌هایی که معنای خود را برای کارکنان پیدا نکنند، در سطح می‌مانند. «شادی آغاز» زمانی دوام می‌آورد که همراه با درک عمیق از بافت انسانی و سازمانی باشد؛ زمانی که ایده‌ها فقط نو نباشند، بلکه قابل همراهی هم باشند. استانی با گستره فرهنگی گلستان، بیش از هر چیز نیازمند مدیری است که بتواند میان تفاوت‌ها پل بزند، زبان مشترک ایجاد کند و تغییر را از سطح شعار به عمق سازمان ببرد. در غیر این صورت، بهترین برنامه‌ها هم به تجربه‌ای زودگذر تبدیل می‌شوند؛ تجربه‌ای که به تاریخ شفاهی ادارات می‌پیوندد: تاریخ «آغازهایی شاد اما ناتمام».

شاعر - نویسنده و دبیر صفحه کودک و نوجوان گلشن مهر

زعفران وامنان

الگوی کشاورزی پایدار در گلستان



را به نمایش بگذارد. به گزارش ایسنا، کشت کم‌آب، درآمد پُرپرکت روستای کوهپایه‌ای وامنان، در ۱۴۰ کیلومتری گرگان، طی سال‌های اخیر شاهد تحول

در هوا پیچیده است. روستای وامنان از توابع آزادشهر، با تکیه بر همت اهالی و مدیریت خردمندانه منابع، توانسته الگویی موفق از کشاورزی پایدار و کم‌آب

در دل کوهپایه‌های شرقی گلستان، جایی که خشکسالی و کم‌آبی سال‌ها سایه بر زمین‌های کشاورزی انداخته بود، اکنون عطر طلای سرخ زعفران

چشمگیری در حوزه کشاورزی بوده است. در حالی که بسیاری از مناطق شمال کشور با بحران کم‌آبی روبه‌رو هستند...

ادامه در صفحه ۲

ادامه تیر اول

کشاورزان این روستا با بهره‌گیری از منابع طبیعی آب موسوم به «آب سبز» - شامل رطوبت خاک، بارش‌های فصلی، شبنم و رطوبت هوا توانسته‌اند کشت زعفران را بدون نیاز به آبیاری سنگین گسترش دهند. کارشناسان جهاد کشاورزی آزادشهر معتقدند اجرای این الگو، علاوه بر صرفه‌جویی چشمگیر در مصرف آب و حفظ خاک، باعث افزایش درآمد کشاورزان، ایجاد اشتغال فصلی و جلوگیری از مهاجرت جوانان شده است. زعفران وامنان به‌دلیل رنگ و عطر طبیعی و کشت سالم و بدون مصرف بی‌رویه کود و سموم، از بازاریسنندلی بالایی برخوردار است و اکنون در حال ورود به بازارهای ملی و فرامنطقه‌ای است.

وامنان، الگوی سازگاری کشاورزی با اقلیم خشک

محمداسماعیل اسدی، پژوهشگر ارشد آب و خاک و حافظ محیط‌زیست در گفت‌وگو با ایسنا با اشاره به تجربه موفق وامنان گفت: کشت زعفران در این منطقه نمونه‌ای واقعی از سازگاری کشاورزی با اقلیم خشک و نیمه‌خشک شمال‌شرق ایران است. کشاورزان وامنان با بهره‌گیری از رطوبت طبیعی خاک و نزولات جوی، ثابت کردند می‌توان بدون فشار بر منابع آب زیرزمینی، کشاورزی پربازده و اقتصادی داشت. او ادامه داد: ویژگی برجسته این نوع کشت، استفاده از آب سبز است؛ آبی که از بارش، شبنم و رطوبت طبیعی تأمین می‌شود و هیچ وابستگی به چاه یا منابع زیرزمینی ندارد. این روش نه تنها به پایداری محیط‌زیست کمک کرده، بلکه بهره‌وری اقتصادی



را هم افزایش داده است. اسدی تأکید می‌کند که استمرار چنین طرح‌هایی می‌تواند زمینه‌ساز توسعه کشت‌های کم‌آب در دیگر مناطق گلستان باشد و به الگویی ملی برای مدیریت هوشمند منابع طبیعی تبدیل شود. این پژوهشگر بین المللی آب و خاک افزود: اکنون زعفران وامنان، نمادی از کشاورزی دانش‌بنیان و دوستدار محیط‌زیست است که با همت کشاورزان محلی و حمایت جهاد کشاورزی، رونق تازه‌ای به اقتصاد روستا بخشیده است.

تعاون روستایی، پشتیبان طلای سرخ

محمدرضا جامی، مدیر تعاون روستایی گلستان، نیز با اشاره به ظرفیت بالای این منطقه گفت: اتحادیه تعاون روستایی استان مسئولیت تأمین منابع مالی لازم برای خرید زعفران خشک و گل زعفران را برعهده دارد. تاکنون شرکت تعاونی زعفران‌کاران وامنان بیش از ۱۵ تُن گل زعفران از کشاورزان منطقه خریداری

انجام می‌شود. در بسیاری از سال‌ها حتی به‌صورت دیم نیز قابل کشت و بهره‌برداری است. احمدی که ریاست تعاونی زعفران وامنان را بر عهده دارد، درباره این تعاونی توضیح داد: تعاونی زعفران وامنان در سال ۱۳۹۲ تأسیس شد و در حال حاضر حدود ۹۶۰ سرپرست خانوار در آن عضو هستند. رئیس تعاونی زعفران وامنان با بیان اینکه در این تعاونی، یک صندوق فعال نیز وجود دارد و فعالیت‌هایی مانند خشک‌کردن زعفران به روش سنتی و صنعتی و بسته‌بندی محصول انجام می‌شود، اضافه کرد: محصول این منطقه به‌صورت مستقیم صادر نمی‌شود، زیرا صادرات مستقیم نیازمند مجوزهای ویژه و طی کردن مسیرهای خاصی است. عمده زعفران تولیدی به صورت فله به مشهد ارسال و از آنجا به بازارهای جهانی صادر می‌شود. بخشی از محصول نیز به‌صورت بسته‌بندی‌شده در داخل تعاونی و مغازه‌های گرگان عرضه می‌گردد. احمدی مهم‌ترین چالش در این مسیر را تغییر الگوی کشت دانست و اظهار کرد: در ابتدا پذیرش کشت زعفران برای مردم دشوار بود، اما با مشاهده درآمد بالاتر آن نسبت به محصولاتی مانند سیب‌زمینی و عدس، استقبال افزایش یافت. همچنین اخذ مجوزهای لازم برای تشکیل تعاونی زمان‌بر بود و هنوز هم در برخی زمینه‌ها با مشکلات اداری مواجهیم. وی به مشکل فروش گل زعفران نیز اشاره کرد و گفت: به دلیل فسادپذیری بالا و فعالیت دلالان، در فروش گل زعفران مشکلاتی وجود دارد، اگرچه در فروش زعفران خشک شده بازار پایدار و مطمئنی داریم. احمدی در پایان با اشاره به نیاز تعاونی به حمایت‌های مالی، خاطرنشان کرد: مشکل اصلی ما ضعف منابع مالی است. برای خرید روزانه گل زعفران به مبالغ قابل توجهی نیاز داریم، در حالی که توان مالی تعاونی محدود است. بنابراین انتظار داریم نهادهای مسئول با تسهیل در پرداخت وام و تسریع در صدور مجوزها، از تولیدکنندگان حمایت بیشتری به عمل آورند.

کرده است. وی افزایش تولید زعفران را گامی موثر در راستای بهبود معیشت کشاورزان منطقه دانست و افزود: این تعاونی با حدود ۹۸۸ عضو فعال، نزدیک به ۸۰۰ هکتار از اراضی وامنان را زیر کشت زعفران دارد و ظرفیت بالای آن می‌تواند اقتصاد روستا را متحول کند.

زعفران، برکت زمین‌های وامنان

محمد احمدی، رئیس تعاونی زعفران وامنان، از گسترش کشت زعفران در روستای «وامنان» شهرستان آزادشهر خبر داد و گفت: هدف اصلی از اجرای این طرح، خدمت‌رسانی به مردم، تغییر الگوی کشت و جلوگیری از خردشدن بی‌رویه زمین‌های کشاورزی بود که خوشبختانه با همراهی اهالی محقق شد و نتایج مثبت اقتصادی به همراه داشته است. وی با اشاره به مزیت زعفران در شرایط کم‌آبی، افزود: این محصول در مقایسه با سایر محصولات منطقه، نیاز آبی بسیار کمتری دارد و کشت آن عمدتاً در پاییز و زمستان

بازار گلستان در چنبره گرانی

می‌شود. وی افزود: در کنار کنترل قیمت‌ها، موضوع کمبود کالا نیز برای ما اهمیت ویژه‌ای دارد. اگر کمبودی مشاهده شود بلافاصله به ستاد تنظیم بازار استان و وزارتخانه اعلام می‌کنیم تا برای جبران آن اقدام شود. کرامتی با اشاره به عملکرد دستگاه‌های نظارتی در شرایط بحرانی اخیر گفت: در ایام جنگ ۱۲ روزه اخیر، هماهنگی بسیار خوبی میان دستگاه‌های نظارتی، تعزیرات، دادستانی و سایر نهادها برقرار بود و خوشبختانه گلستان در تأمین کالا و کنترل قیمت‌ها وضعیت مطلوبی داشت. وی تأکید کرد: نظارت‌ها به‌صورت مستمر ادامه دارد و در صورت مشاهده هرگونه تخلف، بدون اغماض با متخلفان برخورد و پرونده‌ها برای رسیدگی به تعزیرات ارسال می‌شود.

دعوت از مردم برای همکاری

معاون نظارت و بازرسی صمت گلستان در ادامه با تأکید بر لزوم همکاری شهروندان گفت: مردم در خط مقدم حمایت از حقوق مصرف‌کننده هستند. اگر تخلفی دیدند، از طریق شماره ۱۲۴ گزارش دهند. هویت گزارش‌دهندگان محفوظ است و اطلاعاتشان صرفاً برای بهبود نظارت‌ها استفاده می‌شود. وی خاطرنشان کرد: همان طور که مقام معظم رهبری فرمودند رعایت انصاف در فروش و توجه به حقوق مردم از اولویت‌هاست. ما هم با تبعیت از این نگاه، اجازه نخواهیم داد عده‌ای با سودجویی، آرامش مردم را بر هم بزنند.

گره گرانی در زنجیره واسطه‌گری

افزایش قیمت‌ها و نوسان روزانه نرخ کالاها در گلستان، نشان از چالشی عمیق در زنجیره تولید تا عرضه دارد. اگرچه دستگاه‌های نظارتی از تداوم بازرسی‌ها و برخورد با متخلفان سخن می‌گویند، اما تا زمانی که نظام توزیع اصلاح و نقش واسطه‌ها محدود نشود، فشار اقتصادی از دوش مردم برداشته نخواهد شد. راهکار اصلی به نظر می‌رسد در شفاف‌سازی زنجیره تأمین، تقویت خرید مستقیم از تولیدکننده و نظارت هوشمند مردمی نهفته باشد؛ اقداماتی که می‌تواند بار دیگر اعتماد ثبات و آرامش را به بازار گلستان بازگرداند.



عوض شده. بعضی اجناس را چند روز نمی‌خری، بعد می‌بینی چند هزار تومان گران‌تر شده. زندگی برای بسیاری از مردم سخت شده. حقوق ثابت مانده اما قیمت‌ها هر روز افزایش پیدا می‌کند. وی که از فشار اقتصادی به تنگ آمده، ادامه می‌دهد: بسیاری از خانواده‌ها فقط اقلام ضروری می‌خرند و از خیلی نیازهاشان می‌زنند. بعضی‌ها حتی برای خرید چند عدد نان هم مشکل دارند. دولت باید فکری اساسی برای این موضوع کند.

وعده‌ها و واکنش مسئولان

در پی افزایش نارضایتی‌ها، جعفر کرامتی، معاون نظارت، بازرسی و حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان سازمان صنعت، معدن و تجارت گلستان، گفت: بازرسی از بازار به‌صورت روزانه انجام می‌شود و گزارش وضعیت کالاهای اساسی مرتب به تهران ارسال می‌گردد. در صورت مشاهده افزایش قیمت نامتعارف یا تخلف، موضوع سریع بررسی و با متخلفان برخورد

مردم افزود: خیلی‌ها فقط نگاه می‌کنند و می‌روند، چون توان خرید ندارند. مسئولان باید دو روز مثل مردم زندگی کنند تا بفهمند سختی یعنی چه. من گاهی به خانواده‌های نیازمند کمک می‌کنم، اما این کار، وظیفه دولت است نه مردم.

بازار، صحنه‌ای از استرس و اختلاف‌های خانوادگی

چند قدم آن‌طرف‌تر، زنی که سبد خرید کوچکی در دست دارد، با لحنی پر از گلایه می‌گوید: قیمت‌ها ساعت‌به‌ساعت تغییر می‌کند. امروز یک نرخ داری، فردا همون جنس گران‌تر می‌شود. این وضعیت اعصاب مردم را بهم ریخته است، حتی بین زن و شوهرها سر خرج خانه بحث می‌شود. بازار برای مردم تبدیل به صحنه استرس و نگرانی شده است. در گوشه‌ی دیگر بازار، شهروندی از یکی از شهرستان‌های گلستان نیز سخن را ادامه می‌دهد و می‌گوید: هر بار برای خرید به بازار میام، نرخ‌ها

در حالی که مردم گلستان از افزایش لحظه‌ای نرخ‌ها گلایه دارند، مسئولان وعده تداوم بازرسی‌ها و برخورد با متخلفان را می‌دهند، اما هنوز فشار اقتصادی بر خانوارها محسوس است. به گزارش مهر، در هوای پاییزی گرگان، بازار شلوغ و پرفتور آمد است. بوی میوه‌های تازه، رنگ زنده‌ی انارها و پرتقال‌ها و صلا‌ی چانه‌زدن مردم در هم آمیخته است؛ اما در پس این جنب‌وجوش، نگرانی عمیقی از گرانی و بی‌ثباتی اقتصادی موج می‌زند. در حالی که مردم گلستان از افزایش لحظه‌ای نرخ‌ها گلایه دارند، مسئولان وعده‌ی تداوم بازرسی‌ها و برخورد با متخلفان را می‌دهند، اما فشار اقتصادی بر دوش خانوارها همچنان سنگینی می‌کند. افزایش مداوم قیمت کالاهای اساسی، نوسانات روزانه نرخ‌ها و کاهش قدرت خرید مردم طی ماه‌های اخیر به یکی از چالش‌های جدی خانوارهای گلستانی تبدیل شده است. بازار گرگان و دیگر شهرهای استان از میادین میوه و تره‌بار گرفته تا فروشگاه‌های مواد غذایی و پوشاک شاهد تغییر لحظه‌ای قیمت‌هاست؛ امری که موجب نگرانی شدید مردم و سلب اعتماد آنان از ثبات اقتصادی شده است. با وجود تأکید مسئولان بر تشدید نظارت‌ها، شهروندان همچنان از افزایش نرخ‌ها، عملکرد ضعیف برخی نهادهای نظارتی و نبود عدالت اقتصادی گلایه دارند. این گزارش میدانی خبرنگار مهر، بازتابی است از صلا‌ی مردم در دل بازار و پاسخ مسئولان به این دغدغه‌ها.

کاهش قدرت خرید و لب‌خندهای کم‌رنگ

بازار گرگان غرق در رنگ و صداست؛ اما لب‌خندها کم‌رنگ‌اند. در میان ازدحام مردم، خاتم میان‌سال‌ی که خود را یکی از اهالی گرگان معرفی می‌کند، با نگاهی نگران به خبرنگار مهر، می‌گوید: من مدام به بازار می‌آیم و واقعا تأسف‌برانگیز است که قیمت‌ها هر روز بالاتر می‌رود. مغازه‌دارها مقصر نیستند، چون خودشان اجناس را گران می‌خرند. مشکل از دلال‌ها و واسطه‌هایی است که کالا را چند بار دست‌به‌دست می‌کنند تا به مردم برسد. اگر دولت مستقیم از تولیدکننده بخرد، این‌طور نمی‌شود. وی با اشاره به شرایط دشوار زندگی

کروکودیل تنها

فیلتر یا رفع فیلتر شبکه‌های اجتماعی

از جایی به بعد قرار شد شبکه های اجتماعی دیگر اجتماعی نباشند، یعنی پس از عبور از دیوار، فیلتر اجتماعی باشد! از آن لحظه به بعد یک‌مبحث به مباحث فوق العاده مهم کشور اضافه شد و آن هم رفع فیلتر بود. برخی گفتند شبکه های اجتماعی بنیان خانواده را هدف گرفته و شکر خدا که فیلتر شد! اما جالب بود که با فیلترینگ بنیان خانواده نجات نیافت. عده ای گفتند شبکه های اجتماعی فرزندانمان را از راه به در کرده ! اما بعدها دیده شد همان والدین محترم در به در به دنبال فیلتر شکن هستند و از نبودش استخوان درد گرفته اند. گروهی معتقد بودند شبکه های اجتماعی دستاورد دولت های بیگانه است و ما باید شبکه‌های اجتماعی از جنس خودمان را تولید کنیم و البته تولید کردیم اما در نهایت تعجب، همگان دیدند که این گروه خودشان دوباره در شبکه های اجتماعی بیگانه فوق‌العاده فعال هستند. خلاصه از هر دری دلیل آوردند که بگویند فیلترینگ اقدامی مفید است! طرفداران فیلترینگ هر گاه که سخن از حذف آن شد آنچنان جنجالی به پا کردند که نگو و نپرس!! اما چرا؟ چرا فیلتر در نظر این افراد تا این اندازه شیرین است آن هم در شرایطی که نتیجه ی همه ی دلایل اینان نقش بر آب بوده است. البته این حرف ها را ما نمی زنیم. بیشتر اینها حرف های یه عده ی معلوم الحال است که می گویند با رفع فیلتر نان حامیان فیلتر آجر می شود. شاید هم از آجر کمتر و تبدیل به خاک شود. در شرایطی که همه دیدیم با رفع فیلتر واتس آپ، آب از آب تکان نخورد، حالا چگونه است که رفع فیلتر تلگرام و اینستاگرام این چنین می تواند معادلات را برهم بزند. این نمایندگان شریف مجلس شورای اسلامی هم برای آن که خود را بسیار تأثیرگذار نشان دهند بگونه ای حرف می زنند که ما باورمان شود اهرم رفع فیلتر زیر دستان آنان است و ما هم رویای شیرینشان را برهم نمی‌زنیم. یقیناً فیلترینگ خوب است، اصلاً چ ه معنی دارد که همه، همه چیز را بدانند، شبکه های اجتماعی در واقع شبکه های خصوصی هستند که در زندگی آدم ها سرک می کشند و تلاش می کنند که روابط خصوصی ما را اجتماعی می کنند! حالا اما هر روز یکی از خبرهای مل ی و استانی و حتی شهرستانی شده است، فیلتر و یا رفع فیلتر شبکه های مجازی، خب بد هم نیست بالاخره ادمین ها به نوعی و مخاطبان هم به نوعی، سرگرم هستند و بیشتر از همه فیلتر شکن فروشان شاد و سرخوش هستند.



سیستم آبیاری با کمک دولت، نه صرفه‌جویی در مصرف آب، که افزایش سطح کشت را در پی داشت. مدرنیته‌ای که قرار بود منبع را حفظ کند، خود عامل مصرف بیشتر شد. در ادامه، با تغییر قوانین اسناد، خرده‌مالکان نیز امکان دریافت سند - با کد مالیاتی - برای قطعات کوچک پیدا کردند و این یعنی کلافی که در روزگار کمبود منابع، هر روز پیچیده‌تر می‌شود. اکنون سال‌هاست که از دشت گرگان دورم. اما وقتی از این فاصله به کارنامه ی کشاورزی گذشته‌ام نگاه می‌کنم، از خود می‌پرسم: آن زمین و آن زیرزمین تا کجا می‌تواند چنین مهربان بماند؟ آیا اگر در آینده‌ای نه‌چندان دور بازگردم، می‌توانم دوباره به آن منابع، به آن آب و خاک، به چشم یک خرده‌کشاورز امیدوار نگاه کنم؟ و فراتر از من، آیا این سرزمین هنوز توان جذب موج دیگری از مهاجرت را دارد؟ آیا این مدل توسعه، آینده‌ای برای کشاورزی - چه در مقیاس صنعتی و چه در خودکفایی غذایی - باقی خواهد گذاشت؟ و اگر امیدی هست، چه کسی و با چه توانی می‌تواند این چرخه را از نو به تعادل برساند؟

از نظم درونی است، از رابطه‌ی انسان و زمین. در ایران، کمبود آب ورد زبان‌هاست، اما مدیریت آب تاریخی‌تر از آن است که گمان می‌کنیم. بگذارید مثالی بزنم از روزگاری که «تعادل» هنوز معنایی داشت. در دهه‌های چهل و پنجاه شمسی، دشت گرگان میزبان مهاجران خشکسالی بود؛ مردمی که عمدتاً از سیستان آمده بودند و این دشت چنان مهربان بود که به آنها پناه می‌داد. در آن زمان، الگوی کشت غالب، پنبه بود؛ محصولی صنعتی که با انتقال فناوری و بومی‌سازی، هم کشاورز را به بازار وصل می‌کرد و هم صنعت را به زمین. چاه‌های آب در زمین‌هایی که هنوز خرده‌مالک نشده بود، می‌توانستند مساحت زیادی را سیراب کنند، بی‌آنکه سفره‌های زیرزمینی تهی شوند. محصول به کارخانه می‌رفت و چرخ صنعت می‌چرخید. اما از دهه ی شصت، سیاست خودکفایی غذایی به‌جای توازن، بهره‌برداری حداکثری را ترویج کرد. الگوی کشت از هم پاشید؛ مجوزهای حفاری چاه‌های عمیق افزایش یافت، اراضی به قطعات کوچک‌تر تقسیم شد و سفره‌های آبی کوچک‌تر شدند. تجربه ی شخصی من این بود که مدرن‌سازی

دشت گرگان، آینده‌ی فراموشی تعادل

احسان مهاجر

در گرگان، بیست سالی کشاورزی کردم. امروز اما مقیم فرنگستانم؛ جایی که تا آنجا که دیده‌ام، هر چیز قاعده‌ای دارد. و تا آنجا که فهمیده‌ام، آن قاعده‌ها چندان قابل انتقال نیستند. فناوری و تکنولوژی را نمی‌گویم؛ سخن

بذرهای امید، برای آینده‌ای روشن

و آنهایی که از ما انتظار دارند، می‌باشد. تا به عنوان یک شخص مفید و ثمربخش در جامعه شناخته شوید، و افتخارآفرین باشید. بدانید که اینک، زمان کاشت بذرهایی امید و آینده‌ای جدید و روشن فرا رسیده است. انتخاب راه و آزادی فکر و اندیشه، حق مسلم شماست. پس اگر چنین است و چنین باید بود، بر توانایی هایتان افتخار کنید که، موفقیت نتیجه ایمان به من می‌توانم، هاست. در انتهای سخنانم، باز هم یادآور می‌شوم؛ که مرزهای علم و دانش پایان‌ناپذیر است، و انتظار ما، خانواده‌های تان، جامعه ما، این است که، با واداشتن عقل به غور و تعمق، و با هر چه بازرتر کردن بالهای فکر و آزادی اندیشه، در پی گسترش علم و دانش و بالاتر بردن سطح مدارج علمی خود باشید. چنان که، حتی رهبر فرزانه ما نیز در یکی از فرمایشات خود فرموده‌اند که: انتظار من از شما جوانها و اساتید این است، تولید علم کنید. به سراغ مرزهای دانش بروید. فکر کنید. کار کنید. با کار و تلاش می‌شود از مرزهایی که امروز دانش دارد، عبور کرد. در انتها، عرایضم را به بخشی از شعر شاهنامه فردوسی این سخن سرای سترگ می‌آرایم، که فرموده است:

کنون ای خَرکَمند وَصِف خِرَد
پدین جایگه گفتن اندر خَوَرَد
کنون تا چه داری بیار از خِرَد
که گوش نِیوشنده زو بَر خَوَرَد
خِرَد رَه‌نمای و خِرَد دلگشای
خِرَد دَسْت گیرد به هر دو سَرای
کسی کو خِرَد را بُدَارَد ز پیش
دلش گردد از کَرده خویش ریش
به گفتار داندگان راه جوی
به گیتی پِیوی و به هر کس بگوی
ز هر دانشی چون سخن بَشَوی
از آموختن یک زَمَان نَغَوی
چو دیلار یابی به شاخ سَخَن
بدانی که دانش نیاید به بُن

که در پیش چشم دارید، طی نمایند. ما انتظار داریم که شما عزیزان، با اندیشه های چابک و چالاک خود، ناممکن ها را ممکن کرده، افتخارات بیشتری را برای خود، خانواده و جامعه و کشورمان رقم بزنید. البته که شما اینک، یکی از کنکورهایی زندگی تان را، با تمام صلابت و سختی ها، و مرارت و ناملایمتهای هایش، پشت سر گذاشته اید، در واقع، توفان های پرتلاطم زندگی خود را به سمت آرزوهای بزرگتان هدایت کرده اید، از تفریحات خود در ایام آمادگی کنکور، گذشته اید، در خانه و کاشانه تان نشست، و درس خوانده، تمرین و ممارست پیشه کرده اید، و اینک ثمره آن را که نتیجه شب زنده داری ها و تلاش های بی وقفه تان بوده است، سرفرازانه، با نشستن در صندلی های افتخارآمیز دانشگاه هایی که بسته به علائق تان انتخاب کرده اید، به شایستگی خواهید چشید. که فردوسی شاعر بزرگ ایران زمین فرموده‌اند:

نگه کن سرانجام خود را ببین ...
چو کاری بیایی از این به گزین
به رنج اندر آری تنت را، رواست ...
که خود رنج بردن به دانش، سزااست
البته این را هم باید به یاد داشته باشید که، محیط دانشگاه، محیط روشنفکری و اندیشه های باز و پویا است، جامعه‌ای که شما به عنوان دارندگان اندیشه های پویا، انتظار بیشتری دارید و شما را به عنوان مرجع فکر و اندیشه، درایت و تدبیر می شناسند. امیدواریم که در این زمینه نیز به عنوان مرجع فکری جامعه، به نحو احسن و اکمل، یار و مددکار جامعه خویش باشید، تا جامعه به سمت و سوی توسعه و عمران و آبادانی و پیشرفت و تعالی به مدد راهبری و راهنمایی های شما عزیزان، گام های مؤثرتری بردارد. چرا که، آنچه که در این میان، مهم است «مسئولیت پذیری» شما در قبال خانواده، مردم، جامعه

سازان وطن هستید، و اگر نام دهستان ما را در طبعی شاعرانه و طنزآلود، به عنوان سرزمینی درخشان یاد کرده باشند، اینک شما فرزندان برومند ما در این دهستان، با موفقیت خود در کنکور سراسری سال تحصیلی جاری، درخشندگی خاصی به این سرزمین بالنده بخشیده، و افتخاری غرور آفرین به این جمع دوستداران تان به ارمغان آورده اید. عزیزان، این پند را از بزرگان خود بیاد داشته باشید که ایام تحصیل، دوران آمادگی برای زندگی نیست، بلکه دوران آموزش خود زندگی است. سرمایه گذاری در علم و دانش همیشه بیشترین سود و بهره را در بر دارد. دوران تحصیل، دوران سرمایه گذاری و آموزش خود زندگی و زندگانی سعادت‌مندانه است. و به عبارتی، زندگی، خود دانشگاه است و دانشگاه، بخشی از زندگی، و محل رشد و بالندگی است، قدر این دوران را باید بدانید و در پی معنابخشی آن و در فکر ارتقای دانش و البته بینش خود در این دوران جویندگی و پویندگی تان باشید. عزیزان، بدانید که، قبولی در دانشگاه یکی از دستاوردهای بزرگ زندگیتان است، که نشان از هوش و درایت و استعداد و تلاش فراوانتان و سعی و فارتان دارد. بدانید که، از اینجا به بعد، دنیا در مقابلتان بازرتر، و چشم اندازهایتان، فراختر خواهد شد و فرصت‌های بیشتری پیش رویتان قرار خواهد گرفت. امیدوارم که فرصت ها را مغتنم شمرده، و با شور و اشتیاق به دنبال علایقتان رفته و به هر چیزی که می‌خواهید، دست پیدا کنید. ما از شما انتظار داریم که در این نقطه ای که قرار گرفته اید، متوقف نشوید و به فکر گشودن راه‌هایی برای موفقیت های بیشتر و مدارج بالاتر باشید. و با گام هایی استوار و مستحکم، راه های طولانی را در مسیر موفقیت های بیشتری



لیلا حسین زاده- اشاره ۶۳: فرزند نخبه و برومند دهستان لیوان در کنکور سراسری دانشگاه های کشور، سال تحصیلی ۱۴۰۴ پذیرفته شدند و خیرین و پیشکسوتان با برگزاری همایشی قدر این فرزندان را گرامی داشتند. در این مراسم ارزشمند، سیدکاظم عبادی یکی از بانیان این همایش و از خیرین و پیشکسوتان علاقه‌مند به حوزه فرهنگ و دانش سخن گفتند. متن کامل سخنرانی را با هم می‌خوانیم. به امید دانایی روزافزون. قبل از هر چیز، تشریف فرمایی مهمانان معزز و اساتید گرامی را در محفل امروزمان، که به مناسبت پذیرفته شدگان کنکور سراسری و راه یافتگان دانشگاه ها و مراکز عالی کشور برگزار شده است، خوش‌آمد گفته و خیر مقدم عرض می‌کنم. همچنین، پذیرفته شدن و موفقیت این عزیزان را که اینک کسوت دانشجویی را بر تن نهاده اند، صمیمانه به‌خودشان، به خانواده های گرامی آنان و به‌ویژه، به معلمان محترم و مربیان زحمتکش آنان، که عمری را به پایشان سپری، و جرعه ای از چشمه جوشان علم و دریای دانش و تجربه و بینش خود، نوشانیده اند، تبریک می‌گویم. عزیزان، شما راه یافتگان امروز دانشگاه‌ها، راهنمایان فردای دهستان لیوان، بلکه آینده

مقاله

به بهانه ۲۱ آبان، سالروز تولد پدر شعر نو فارسی

نقد و تحلیل حکم معروف نیما یوشیج

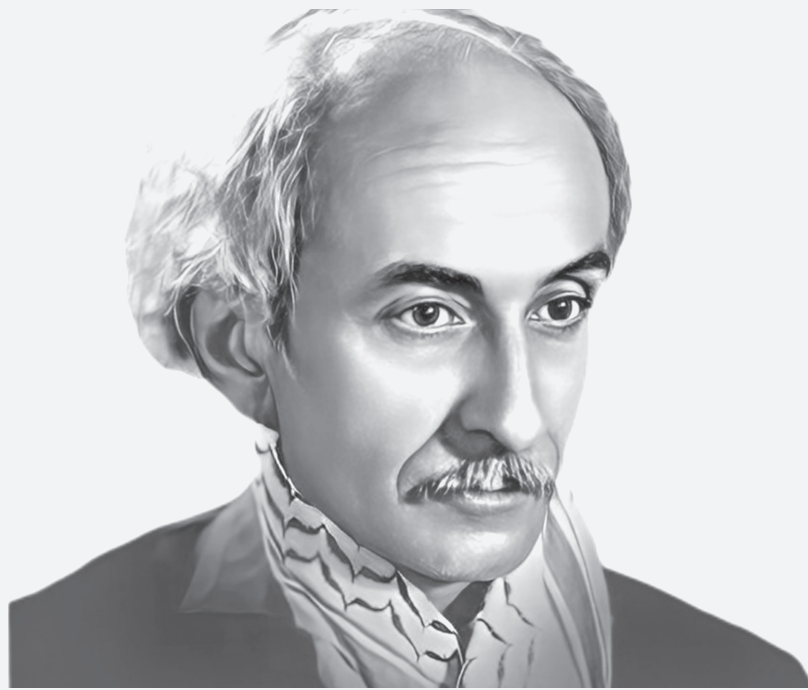
«آن که غربال به دست دارد از عقب کاروان می آید»



این همه، می توان از دل سخن نیما نتیجه ای دیگر نیز گرفت: هنر نه بر مدار تکامل، بلکه از دل گسست ها زاده می شود. از زمان نگارش نامه نیما تا امروز، حدود هفتاد و هشت سال گذشته است؛ اما شعر معاصر از میراث نیما فاصله گرفته است، چراکه آنچه مسیر هنر را تعیین می کند، نه ضرورت های تاریخی، بلکه رخداد های پیش بینی ناپذیرند. نیما می گفت: «آن که غربال به دست دارد از عقب کاروان می آید.» اما پرسش بنیادین این است: چه کسی غربال تاریخ را می سازد؟ آیا این غربال همان چیزی است که امیل دورکیم از آن به عنوان «قصیدت جمعی» یاد می کند؟ اگر چنین باشد، آیا این قصدیت از پیش وجود دارد، یا در طول زمان ساخته می شود؟ پاسخ نیما تلویحاً این است که تاریخ هیچ غربال از پیش ساخته ای ندارد. آنچه در غربال باقی می ماند، نه به سبب کمال آن، بلکه به سبب معناداری آن در گفتمان تاریخی است. یکی از مهم ترین غربال سازان تاریخ معاصر ایران، اندیشه ی چپ بود. درست در همان زمان که احسان طبری در حال تفسیر شعر نیما بود، در واقع مشغول بافتن شبکه ی مفهومی همان غربال نیز بود. پس از مرگ نیما، قرائت مارکسیستی نه تنها شعر نیمایی را تفسیر کرد، بلکه به آن جهت و ساختار تازه ای داد؛ به گونه ای که شعر نیما در خوانش های بعدی، گویی در دل همان ایدئولوژی بازتولید شد. تاریخ در ذات خود بی اندام و غیرقابل پیش بینی است. هیچ کس نمی تواند بداند چه کسی در غربال تاریخ باقی می ماند. آیا در پانصد سال آینده نام شاملو برجاست یا یدالله رویایی؟ آیا براهنی قراموش می شود و احمد رضا احمدی باقی می ماند؟ تاریخ حال تا اندازهای آینده را می سازد، اما گسست های بزرگ می توانند همه چیز را دگرگون کنند؛ چنان که قاره ها و اقیانوس ها نیز در طول میلیون ها سال جابه جا شده اند. عنصری، بزرگ ترین شاعر دربار محمود غزنوی، آیا می توانست پیش بینی کند که هزار سال بعد، نامی از او باقی نماند، اما شاهنامه ی فردوسی - همان کتابی که روزگاری مایه ی تمسخر درباریان بود - به شناسنامه ی فرهنگی ایرانیان بدل شود؟ این همان معنای نهایی حکم نیماست: تاریخ داور دیر هنگام و بی قرار است؛ غربالش همواره در حرکت است، و هیچ کس نمی داند چه چیزی از کاروان معنا باقی خواهد ماند.

توضیح: هر دو نامه را می توانید در کانال تلگرامی (تبارشناسی کتاب) در نشانی زیر بخوانید: https://t.me/tabarshenasi_ketab_3993
https://t.me/tabarshenasi_ketab_3995

طبری هم رأی است، اما از درون، تعریف متفاوتی از «تکامل» دارد. از این رو داوری طبری را نمی پذیرد و در نامه اش می نویسد: «آنچه را که نه من و نه شما، بلکه هیچ کلام نمی توانیم با کمال وضوح پیش بینی کنیم، قضاوتی است از روی تعیین و نهایت دقت درباره ی آنچه در ادبیات رنگ تازه می گیرد.» در این جمله، نیما نه تنها به فلسفه ی داوری در هنر می اندیشد، بلکه نگاهی متفاوت به تاریخ دارد؛ نگاهی که از جبرگرایی طبری فاصله می گیرد. او می پرسد: «آیا آن ها نتیجه ی هزار قضاوت گوناگون نخواهد بود؟» این پرسش، در واقع دعوتی است به تأملی در خاستگاه داوری و نقش جمع در آن. نیما به درستی درمی یابد که قضاوت ها بی شمارند، اما از چشم انداز گفتمانی غافل می ماند. هیچ قضاوتی کاملاً فردی نیست؛ بلکه در دل گفتمان هایی شکل می گیرد که مرزهای گفتن و شنیدن را تعیین می کنند. در همین معنا، فوکو می گوید گفتمان ها تصمیم می گیرند چه صلاهایی شنیده شوند و چه صلاهایی خاموش بمانند. نیما در ادامه ی نامه اش می نویسد: «آنچه ما نیستیم



و برای خود ممکن است باشیم، و حتماً شما هم همین فکر را می کنید؛ زیرا ما قبلاً دانسته ایم که هر چه از جمع می آید، و بنابراین آن که غربال به دست دارد از عقب کاروان [می آید]. خیلی ملت ها پس از این، و در طول زمانی که نمی توانیم با حدس خود آن را محدود بداریم، اما مسلماً می توانیم به راهی که آن ها ناچار از آن خواهند گذشت نزدیک شده باشیم.» در این گفتار، نیما فلسفه ای از تاریخ ارائه می کند که نه کاملاً تکاملی، نه کاملاً گسسته است. تاریخ از نظر او در چرخه هایی از پیشرفت و انقطاع حرکت می کند؛ تکاملی دوره ای و پیش ریس، نه خطی و ضرورت مند. از همین منظر، نیما هشدار می دهد که نباید شعر او را با شعر ابوحفص سغدی مقایسه کرد؛ زیرا شعر نیمایی محصول یک «تکامل دوره ای» است که در لحظه ای زود هنگام رخ داده است. اما همان گونه که خود نیما می گوید، پیش گویی او به حقیقت پیوست: شعر نو، بی آن که از مسیر تکامل خطی عبور کند، در جهشی تاریخی متولد شد. با

نیما را برانگیخت تا در ۲۲ خرداد ۱۳۲۲، نامه ای بلند و عمیق برای طبری بنویسد؛ نامه ای که تأملی فلسفی بر خود «قضاوت» و سرنوشت تاریخی اثر ادبی است. آنچه در اینجا اهمیت دارد، نه فقط نامه ی نیما به طبری، بلکه فهم منطق داوری طبری و واکنش اندیشمندانه ی نیماست. نیما، پیش از آن که نیم قرن بعد منتقدان درباره ی دشواری شعرش و جایگاهش در تاریخ داوری کنند، پاسخی روشن و فلسفی داده بود. این نامه نشان می دهد او به خوبی می دانست در حال انجام چه کاری است و پروژه ی شعری اش از چه بنیان فلسفی ای برمی خیزد. برای فهم بهتر، باید نخست از تأویل احسان طبری از شعر نیما آغاز کرد. این تأویل، اگرچه در ظاهر جوانانه و از سر شوق بود، اما در بطن خود گفتمانی را فعال می کرد که بعدها بر سرنوشت شعر نو سایه انداخت. طبری در آن هنگام ۲۷ ساله بود و از منظر تکامل گرایی به شعر نیما می نگریست؛ همان پارادایمی که بعدها در اندیشه ی چپ ایرانی برجسته شد. در واقع مارکسیسم ایرانی، آموزه های مارکس را در

امتداد داروینیسیم می فهمید و از همین رهگذر، «تکامل تاریخی» را با «تکامل زیستی» در هم می آمیخت. طبری بر این اساس به شعر نیما نگریست: هر چیز در آغاز ناقص است و در مسیر تاریخ کامل می شود. این داوری، یعنی ناقص پنداشتن پروژه ی نیما، برای نیما گران آمد. طبری هر چند کوشید منصفانه قضاوت کند، اما داوری اش در نهایت رنگی از گستاخی یافت، آنجا که نوشت: «حق با توست، اما مغرور مباش.» طبیعی است که چنین لحنی برای نیما خوشایند نبود. با این حال، آنچه در مقدمه ی طبری اهمیت دارد نه خود نقد، بلکه گفتمان نهفته در پس آن است: همان قرائت مارکسیستی از شعر نیما که بعدها مسیر شعر نو را به سوی «سمبولیسم اجتماعی» سوق داد. بدین سان، قضاوت طبری صرفاً قضاوتی شخصی نبود؛ او، ناخواسته، در حال شکل دادن به تاریخ فهم شعر نیما بود.

۲
نیما، اگرچه در ظاهر با نگرش تکاملی احسان



دکتر سینا جهانیدیده
شاعر، پژوهشگر و منتقد ادبی

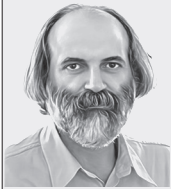
۱
هر حکم و استدلالی که از گذشته به ما رسیده و به صورت گزاره ای تثبیت شده درآمده است، در درون خود تاریخی نهفته دارد. وظیفه ی پژوهشگر تاریخ تنها پی گیری توالی وقایع نیست؛ بلکه باید احکام فکری و زبانی گذشتگان را همانند باستان شناسی آرام و دقیق، لایه به لایه بکاود. چنان که فوکو نشان داده است، در پس هر حکم ظاهراً بدیهی، تاریخ پنهان قدرت و معنا جریان دارد. جمله ی معروف نیما یوشیج، «آن که غربال به دست دارد از عقب کاروان می آید»، از همین سنخ است: گزاره ای که در طول زمان به صورت ضرب المثل روشنفکری درآمده و در عین حال، هم می تواند توهم بیافریند و هم امید. بسیاری از هنرمندان و شاعران، ناتوانی خود را پشت این حکم پنهان کرده اند، بی آن که به موقعیت تاریخی و وجودی ای که نیما در آن ایستاده بود بیندیشند. پرسش این است: نیما این جمله را در چه بافت و تاریخی گفت؟ چرا این گزاره از متن اصلی خود انتزاع شد؛ و اساساً این «حکم» به چه رخدادی اشاره دارد؟ ذهن انسان ذاتاً قضاوت گر است. قضاوت با عدالت، انصاف و حقوق فردی و جمعی پیوند دارد. هر رخداد، خواه کوچک چون نگاهی معنادار، خواه بزرگ چون انقلاب یا دگرگونی فرهنگی، انبوهی از قضاوت ها را در پی می آورد. حافظه و روایت نیز در این چرخه سهم اند؛ اگر روایتی را دوباره نقل کنیم، بی تردید سهم قضاوت و تأویل در روایت دوم بیشتر از نخستین خواهد بود. کار انسان های بزرگ، بیش از دیگران در معرض قضاوت قرار می گیرد، زیرا آنان نیز پیشاپیش به داوری آیندگان می اندیشند. نیچه با همین آگاهی گفته بود: «من در آینده کشف خواهم شد.» پیش بینی او به حقیقت پیوست و او به یکی از پیامبران جهان مدرن بدل شد. در همین معنا، تعجبی ندارد که نیما نیز به «قضاوت» اندیشیده باشد. نیما، شاعری است با ذهنی نظری و خودآگاه، و نوشته هایش گواه عمق تأمل های اوست. او پیام آوری بود که در زمان حیاتش انکار شد، و این انکارها اندیشه ی او را فشرده تر و ژرف تر کرد. بنابراین باید حکم او را در بستر تاریخی و وجودی خاصی که بر او گذشت، تفسیر کرد. هدف این نوشتار بازخوانی و تفسیر دوباره ی همان رخداد است: لحظه ای که نیما به حکم خود رسید. بنا بر گزارش زنده یاد سیروس طاهباز در پایان نامه های نیما، در شماره ی ۱۸ اردیبهشت ۱۳۲۲ مجله ی نامه ی مردم، شعر نیما با عنوان «امید پلید» به صورت مغلو ط منتشر شد. احسان طبری بر این شعر مقدمه ای نوشت که نیما نمی توانست در برابرش سکوت کند. در این مقدمه، طبری در نقش قاضی منصفی ظاهر شد که پس از گذشت یک ربع قرن، به داوری درباره ی کار نیما می نشیند. همین قضاوت بود که

ترجمه

غزلی از سید ضیاء الدین شفیعی
ترجمه: مسلم فداپی، گنبد کاووس



سید ضیاءالدین شفیعی (متولد ۱۳۴۴ش) اهل گیلان، متولد مشهد، دارای دکترای ادبیات فارسی. آثار منتشرشده وی عبارتند از: «سرود مرد غریب»، «انار»، «پشت به سایه‌ها و صداها»، «بر گونه‌های ماه»، «افکار



for battle or escape
horror will also enter
your hall
—You are a fountain
yet every fountain
must fall
The fire will also reach
your nowhere land
The curse has already touched
the palace walls
—behold
it will reach your seclusion too
Sayed Zia al-Din Shafiei

Translation by: Moslem Fadaei

نفرین رسیده است، به دیوار کاخ‌ها
آنک به انزوای شما نیز می‌رسد
—This is our cry of grief
yours too will come
The time for your tears
will also come
We have said it
and the meaning of tears is plain
the days of your weeping
will also come
Your fortune cannot stay so high
the nights of your downfall
will also come
No room is left

و اندیشه‌های سید جمال‌الدین اسد آبادی، «گزیده ادبیات معاصر»، «سمت صمیمانه حیات» و «امام خمینی، پدر انقلاب اسلامی»، «سلمان و سرانجام» (یادنامه‌ی جامع و کامل در بزرگداشت شاعر فقیه سلمان هراتی)، «پرونده‌های متروک»، «کفن کاغذی» این «وای» ماست «وای» شما نیز می‌رسد نوبت به اشکهای شما نیز می‌رسد گفتیم و روشن است که معنای اشک چیست ایام «های‌های» شما نیز می‌رسد بخت شما بلند نمی‌ماند این چنین شب‌های قهقرای شما نیز می‌رسد فرصت به قدر جنگ و گریزی نمانده است وحشت به سرسرای شما نیز می‌رسد فواره‌اید و وقت فرود است، بعد از این آتش به ناکجای شما نیز می‌رسد

خزونِ چهل برگِ کاهی



ابراهیم ابوطالبی شکور، گرگان

بوی عطر شالت روی صندلی؛
هوای نفس‌های بوسیلنی؛
تموم پذیرایی رو می‌بره،
توی ردِ کفش روی پادری؛
با یادت، دیگه پرده رقصون شده؛
روی پنجره، بغض بارون شده؛
چراغ ترک‌خورده‌ی کوچه هم،
مِثِ شمع، لرزون و گریون شده؛
می‌رم رو تراس و نفس می‌کشم؛
با سیگار و دودش، قفس می‌کشم؛
قدم می‌زنم کاشی‌های شب؛
غبار نبودت رو دس می‌کشم؛
به حکم شبایی که پات باختم،
از عمر و جوونیم دس می‌کشم؛
می‌خوام بپریم از سر زنده‌ها؛
یهو بی‌هوا پامو پس می‌کشم؛
خیالم تو روایت قد می‌کشه؛
تنم دور دستات سد می‌کشه؛
به یادِ شرابِ توی خنده‌ها،
یه حبسی با طعم ابد می‌کشه؛
مِثِ خاری رفته توی چشم من،
تماشای اون گل، روی پیرهن؛
که جا مونده از یک کمد خاطره،
روی بندِ رختو نمی‌خواد بره؛
نمی‌خواد بره؛ کاش راهی بشه،
اونم سنگ‌فرش جدایی بشه؛
یه شعر مچاله، توی دفتر
خزونِ چهل برگِ کاهی بشه

چهل ستون آواری منند



ابوالقاسم مومنی، گرگان

کورسویی شفاف
به ساعت چشم
دری فرشته
از بندبند آوازم
و راه تاریک گرفتن
به تخت و تاج این ماوا
انبوه خیس صدا
با ترانه‌ای مرغوب
میان وحشت کور



فرار می‌کنم به خواب



محمد فرازجو، گرگان

به خوب‌ها و خواب‌ها، خاک‌ها، چنان لجن زده‌اند
که کرم‌ها به کیک‌های تولم دهن زده‌اند
کمان و تیر و دشت و آهو، نه طور دیگر آمده‌اند
کنارمان گلنگلن را کشیده، کرگلن زده‌اند
خیال می‌کنم اسیرم که توی قرن هشتم هیچ
پرنده را گره به آن موی پیچ پُرشکن زده‌اند
فرار می‌کنم به خواب از تمام سایه‌های دراز
سرنگ‌ها و مارها، بارها، سری به من زده‌اند
به خواب می‌روم ببینم که دختران مدرسه‌ای
تمام راه، پولک ماه را، به پیرهن زده‌اند
تمام عمر، خواستم چیزهای خوب خوب، ولی،
به خوب و خواب و خاک و آب و به تو، به
من، لجن زده‌اند

ستاره بودی تو



سید محمد علوی‌راد، علی‌آباد کتول

تو اون جزیره‌ی گنجی که ناخدا خورشید...
پی تو تا ته اقیانوس‌ها رو پارو زد...
یه اتفاق بزرگی که پا گلناشتی رو خاک...
خود خدا پیش پاتونو آب و جارو زد...
زمین تلو تلو می‌خورد و گیج و منگ تو بود؛
سرک کشیدی، گل سرخ از خجالت‌تون
دوباره غنچه شد و یاد بچگی افتاد؛
تو برقی اون چشانتون، مکر هرچی رویه بود
کلاغ قصه، پنبَرِ دو دستی تحویل داد؛
منم که مست تماشای ماجرا بودم؛
میون شهر می‌گفتن یه حوری اومده که
صلالتش به مرده رسیده، دوباره زنده شده؛
خبر نداشتن که می‌میرم برای صلات؛
برای هم‌رنگی گفتیم: «اره، زنده شده»؛
دروغ چرا؟! همه داشتیم دروغ می‌گفتیم؛
یکی می‌گفت که ماهی، یکی می‌گفت پری؛
میون اقیانوسی، الهه‌ی ددری؛
منم مِثِ همه دنبال سهم ارت‌بری؛
قسم به اعظم اسمای هرچی خیر و شری؛
پری و ماه نبوتی، ستاره بودی تو.

مرگی «چنین میانه‌ی میدانم آرزوست»
ساغر که لب به لب شده، ساقی که عاشق است
از بس خیال دوست در آن پرسه می‌زند
از عطر گل پر است اتاقی که عاشق است
خون از دماغ هیچ‌کس اینجا نیامده
چون لخته است خون دماغی که عاشق است
هر چند سبک رایج این دوره هنلی است
پاینده باد سبک عراقی که عاشق است

مداد آبی



علیرضا ابری، علی‌آباد کتول

نامت را فریاد نمی‌زنم
که باد، نام‌ها را با خود می‌برد
اما هنوز
از سمت تو
بوی خاک باران‌خورده می‌آید
و کودکی‌ام
در دفتر مشقش
کلمه‌ی بادبادک را
با مداد آبی می‌نویسد
نه در مرگ
در ادامه‌ی راه
در رگ‌های این سرزمین
صدای قدم‌هایمان می‌پیچد
در کوچه‌های این شهر
حالا
هرگاه نسیم می‌وزد
شاخه‌ها نمی‌لرزند
دل ماست می‌لرزد

اسب زخمی



مرضیه رشیدپور کیمیا، مینودشت

تو
کوهی را کج کردی
و رودخانه را از مسیرش ترساندی
بعد، بی‌صدا رفتی
بی‌آن‌که دستت را از روی خوابم برداری.
من
با کلمات باران خوردم

ایتالیای کوچک من



کبری خسروی، جوانرود

در ایتالیای کوچک من
پدر ژیتو خالق همه چیز است
و آن آدمک چوبی نافرمان
که هیچ وقت آدم نمی‌شود
هنوز هم
با دماغ دراز
تمام دروغ‌های آدمی‌ست
پری مو فیروزه‌ای
در باور چوبی من
تنها یک مادر نیست
که همیشه می‌ترسد
از برداشته شدن کلامه
و فرار غرولندهای
جینای خوابیده روی سرم
و درازی دماغ چوبی‌ام
به وجدان پیر جهان برمی‌خورد
و من اینجا
به تولد دیگری می‌اندیشم
پس بمیران مرا
در هیئت چوبی‌ام
این بار آدم تر
به جهانم بیاور
پدر ژیتوی ایتالیای کوچک من!



بندر چوب در هیچ جای دیگر جز گلستان قابلیت اجرا ندارد



صنایع دستی گلستان هم در این جلسه از برگزاری جشنواره بین المللی فرهنگ اقوام ایران زمین و جشنواره ایران جام از ۱۵ تا ۲۸ آبان در این استان خبر داد و این رویداد را فرصتی بی نظیر برای معرفی ظرفیت های گردشگری و فرهنگی گلستان توصیف کرد.فریدون فعالی با اشاره به تشکیل شورای سیاست گذاری جشنواره به ریاست استاندار و صدور ابلاغ برای ۱۳ دستگاه اجرایی، افزود: تاکنون

سه جلسه برگزار شده و با تعامل همیشگی با صداوسیما، تلاش می کنیم از این ظرفیت ارزشمند بهره برداری کامل کنیم.وی تأکید کرد: این جشنواره با حضور نمایندگان ۳۱ استان، اقوام متنوع گلستان و مهمانان خارجی برگزار خواهد شد تا از پتانسیل های استانی به بهترین شکل استفاده شود.مدیرکل میراث فرهنگی گلستان در تشریح اقدامات انجام شده، اظهار کرد: از قزیزستان، قزاقستان، تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان، آذربایجان، افغانستان، پاکستان، ترکیه، عراق، عمان و هند دعوت به عمل آمده و سفرای این کشورها در ایام جشنواره حضور خواهند یافت.وی افزود: در حاشیه این نمایشگاه هم سه شب فرهنگی با حضور تاجیکستان، قزاقستان و ازبکستان برگزار می شود تا جنبه بین المللی جشنواره برجسته شود.نماینده مردم گلستان در مجلس خبرگان رهبری هم در این جلسه از تلاش های مسئولین استانی به ویژه استاندار در راستای امیدآفرینی و خدمت به مردم قدردانی کرد.آخوند کمال غراوی با تأکید بر اهمیت وحدت و همملی میان اقوام و طوایف، حضور مسئولین در مراسم تشییع مرحوم صابر کاظمی، قهرمان ملی پوش گلستانی، را نشانه ای از این همبستگی دانست.وی با اشاره به موفقیت های ورزشکاران گلستانی مانند سردار آزمون، بر ضرورت حمایت همه جانبه از جوانان مستعد تأکید کرد و افزود: جوانان، آینده سازان کشور و سرمایه های وحدت ملی هستند.غراوی همچنین پیشبرد پروژه های منطقه آزاد و رفع مشکلات استان را ستود و از نمایندگان و مسئولین کشوری خواست تا با همکاری و هم افزایی، موانع توسعه استان را برطرف کنند.

آگهی تجدید مزایده عمومی واگذاری و فروش زمین با کاربری عمومی

(شماره مزایده مرجع ۱۹۰۱۵ مورخ ۱۱/۸/۱۴۰۴)

اداره کل راه و شهرسازی استان گلستان در نظر دارد زمین با کاربری عمومی متعلق به سازمان ملی زمین و مسکن بشرح ذیل طبق برنامه زمانی از طریق آگهی فراخوان مزایده عمومی واگذار نماید :

• زمان انتشار در سایت ۱۴۰۴/۰۸/۲۵ ساعت ۱۲

• تاریخ بازدید ۱۴۰۴/۰۹/۱۷ ساعت ۸ صبح لغایت ۱۲

• زمان بازگشایی ۱۴۰۴/۰۹/۲۶ ساعت ۸ صبح

زمان اعلام به برنده ۱۴۰۴/۰۹/۲۹ ساعت ۱۲

لازم به ذکر است کلیه مراحل برگزاری مزایده (شامل دریافت اسناد مزایده، پرداخت تضمین شرکت در مزایده، پیشنهاد قیمت، بازگشایی پاکات، اعلام به برنده، واریز وجه مزایده و تحویل مال مورد مزایده) صرفاً از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (www.setadiran.ir) می باشد. اصل تضمین شرکت در مزایده پس از بارگذاری در سایت و قبل از پایان مهلت پیشنهاد قیمت بایستی تحویل این اداره کل گردد. توصیه می گردد قبل از ارائه پیشنهاد، از ملک موضوع مزایده بازدید به عمل آید. سایر اطلاعات مورد نیاز در سامانه درج گردیده و جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۳۲۲۴۴۳۷۱ - ۰۱۷ (اداره پیمان و رسیدگی) تماس حاصل گردد.

جدول ملک مورد مزایده واگذاری و فروش زمین با کاربری عمومی – (فروش بصورت نقد و اقساط می باشد)

ردف	تلفه	پلاک نتي	مساحت (مترمربع)	کاربری	محل وقوع ملک	فیت کل	نحوه پرداخت	توضیحات
۱۱	۱۲	۵۵۰۰۰ مترمور و محزی از ۳۵ فری از ۱۲۴ اصلی بخش ۳ کرگان	۱۳۳۷	آموزشی	کرگان نوشن جنب ایمن	۶۶,۸۵۰,۰۰۰,۰۰۰	ادردصد نقد و اقساط ۱۰ساله	واگذاری بصورت فراراد و به دارندگان موافقت اموبی احداث مدرسه غیر دولتی صورت می پذیرد
۱۲	۱۳	۵۵۰۰۰ مترمور و محزی از ۵۳ فری از ۱۲۴ اصلی بخش ۳ کرگان	۱۳۶۰	آموزشی	کرگان نوشن جنب ایمن	۶۸,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	ادردصد نقد و اقساط ۱۰ساله	واگذاری بصورت فراراد و به دارندگان موافقت اموبی احداث مدرسه غیر دولتی صورت می پذیرد
۱۳	۱۴	۵۵۰۰۰ مترمور و محزی از ۵۳ فری از ۱۲۴ اصلی بخش ۳ کرگان	۸۵۰	آموزشی	کرگان نوشن جنب ایمن	۴۴,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰	ادردصد نقد و اقساط ۱۰ساله	واگذاری بصورت فراراد و به دارندگان موافقت اموبی احداث مدرسه غیر دولتی صورت می پذیرد
۱۴	۱۵	۵۵۰۰۰ مترمور و محزی از ۵۳ فری از ۱۲۴ اصلی بخش ۳ کرگان	۶۹۳	آموزشی	کرگان نوشن جنب ایمن	۳۴,۶۵۰,۰۰۰,۰۰۰	ادردصد نقد و اقساط ۱۰ساله	واگذاری بصورت فراراد و به دارندگان موافقت اموبی احداث مدرسه غیر دولتی صورت می پذیرد
۱۵	۱۶	۵۵۰۰۰ مترمور و محزی از ۵۳ فری از ۱۲۴ اصلی بخش ۳ کرگان	۲۰۶۷	آموزشی	کرگان نوشن جنب ایمن	۹۷,۱۲۹,۰۰۰,۰۰۰	ادردصد نقد و اقساط ۱۰ساله	واگذاری بصورت فراراد و به دارندگان موافقت اموبی احداث مدرسه غیر دولتی صورت می پذیرد
۱۶	–	۵۵۰۰۰ مترمور و محزی از ۱۹ فری از ۱۲۴ اصلی بخش ۳ کرگان	۱۰۰۰	آموزشی	کند اشهای ایمنای غربی	۱۹۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	ادردصد نقد و اقساط ۳۵ساله	واگذاری بصورت فراراد و به دارندگان موافقت اموبی احداث مدرسه غیر دولتی صورت می پذیرد
۱۷	–	۲۰۹ فری مفرور و محزی از ۲۱۲ اصلی بخش ۹ ککله	۵۰۰,۶۰	درمانی	ککله اشهای ایمنای غربی	۳۱,۰۳۷,۲۰۰,۰۰۰	ادردصد نقد و اقساط ۳۵ساله	واگذاری بصورت فراراد و به دارندگان موافقت اموبی احداث مدرسه غیر دولتی صورت می پذیرد
۱۸	–	۲۰۹ فری مفرور و محزی از ۲۱۲ اصلی بخش ۹ ککله	۵۰۰,۶۷	درمانی	ککله اشهای ایمنای غربی	۳۱,۰۴۱,۵۴۰,۰۰۰	ادردصد نقد و اقساط ۳۵ساله	واگذاری بصورت فراراد و به دارندگان موافقت اموبی احداث مدرسه غیر دولتی صورت می پذیرد
۱۹	۲۳۷	۲۶۱۰۳ فری مفرور و محزی از ۲۳۲۴ فری از ۱ اصلی بخش ۱۰ ککله	۳۳۷۵,۱۵	ورزشی	ککله اشهای ایمنای غربی	۵۵۶,۷۷۰,۰۰۰,۰۰۰	ادردصد نقد و اقساط ۷ساله	واگذاری بصورت فراراد و به دارندگان موافقت اموبی احداث مدرسه غیر دولتی صورت می پذیرد
۲۰	۳۶	۳۳۱۸۵ فری مفرور و محزی از ۳۱۲۵ فری از ۱۱۸ اصلی بخش ۳ کرگان	۵۳۰۴,۱۷	ورزشی	کرگان سبات مسکن مهر سعاداد	۲۹۳,۳۸۰,۰۰۰,۰۰۰	ادردصد نقد و اقساط ۸ساله	واگذاری بصورت فراراد و به دارندگان موافقت اموبی احداث مدرسه غیر دولتی صورت می پذیرد

شانه آگهی ۲۰۴۹۱۴

ردف	تلفه	پلاک نتي	مساحت (مترمربع)	کاربری	محل وقوع ملک	فیت کل	نحوه پرداخت	توضیحات
۱	۱	۵۴۰۰۰ مترمور و محزی از ۵۳ فری از ۱۲۴ اصلی بخش ۳ کرگان	۱۰۳۴	آموزشی	کرگان نوشن جنب ایمن	۵۱,۷۰۰,۰۰۰,۰۰۰	ادردصد نقد و اقساط ۱۰ساله	واگذاری بصورت فراراد و به دارندگان موافقت اموبی احداث مدرسه غیر دولتی صورت می پذیرد
۲	۲	۵۴۰۰۰ مترمور و محزی از ۵۳ فری از ۱۲۴ اصلی بخش ۳ کرگان	۹۴۱	آموزشی	کرگان نوشن جنب ایمن	۴۷,۰۵۰,۰۰۰,۰۰۰	ادردصد نقد و اقساط ۱۰ساله	واگذاری بصورت فراراد و به دارندگان موافقت اموبی احداث مدرسه غیر دولتی صورت می پذیرد
۳	۳	۵۴۰۰۰ مترمور و محزی از ۵۳ فری از ۱۲۴ اصلی بخش ۳ کرگان	۹۱۶	آموزشی	کرگان نوشن جنب ایمن	۴۵,۸۰۰,۰۰۰,۰۰۰	ادردصد نقد و اقساط ۱۰ساله	واگذاری بصورت فراراد و به دارندگان موافقت اموبی احداث مدرسه غیر دولتی صورت می پذیرد
۴	۴	۵۴۰۰۰ مترمور و محزی از ۵۳ فری از ۱۲۴ اصلی بخش ۳ کرگان	۹۷۲	آموزشی	کرگان نوشن جنب ایمن	۴۸,۶۰۰,۰۰۰,۰۰۰	ادردصد نقد و اقساط ۱۰ساله	واگذاری بصورت فراراد و به دارندگان موافقت اموبی احداث مدرسه غیر دولتی صورت می پذیرد
۵	۵	۵۴۰۰۰ مترمور و محزی از ۵۳ فری از ۱۲۴ اصلی بخش ۳ کرگان	۱۸۲۹	آموزشی	کرگان نوشن جنب ایمن	۹۱,۴۵۰,۰۰۰,۰۰۰	ادردصد نقد و اقساط ۱۰ساله	واگذاری بصورت فراراد و به دارندگان موافقت اموبی احداث مدرسه غیر دولتی صورت می پذیرد
۶	۷	۵۴۰۰۰ مترمور و محزی از ۵۳ فری از ۱۲۴ اصلی بخش ۳ کرگان	۱۷۷۲	آموزشی	کرگان نوشن جنب ایمن	۷۰,۸۸۰,۰۰۰,۰۰۰	ادردصد نقد و اقساط ۱۰ساله	واگذاری بصورت فراراد و به دارندگان موافقت اموبی احداث مدرسه غیر دولتی صورت می پذیرد
۷	۸	۵۴۰۰۰ مترمور و محزی از ۵۳ فری از ۱۲۴ اصلی بخش ۳ کرگان	۳۴۵۱	آموزشی	کرگان نوشن جنب ایمن	۱۶۵,۶۴۸,۰۰۰,۰۰۰	ادردصد نقد و اقساط ۱۰ساله	واگذاری بصورت فراراد و به دارندگان موافقت اموبی احداث مدرسه غیر دولتی صورت می پذیرد
۸	۹	۵۴۰۰۰ مترمور و محزی از ۵۳ فری از ۱۲۴ اصلی بخش ۳ کرگان	۱۵۵۲	آموزشی	کرگان نوشن جنب ایمن	۷۷,۶۰۰,۰۰۰,۰۰۰	ادردصد نقد و اقساط ۱۰ساله	واگذاری بصورت فراراد و به دارندگان موافقت اموبی احداث مدرسه غیر دولتی صورت می پذیرد
۹	۱۰	۵۴۰۰۰ مترمور و محزی از ۵۳ فری از ۱۲۴ اصلی بخش ۳ کرگان	۱۰۳۴	آموزشی	کرگان نوشن جنب ایمن	۵۱,۷۰۰,۰۰۰,۰۰۰	ادردصد نقد و اقساط ۱۰ساله	واگذاری بصورت فراراد و به دارندگان موافقت اموبی احداث مدرسه غیر دولتی صورت می پذیرد
۱۰	۱۱	۵۵۰۰۰ مترمور و محزی از ۵۳ فری از ۱۲۴ اصلی بخش ۳ کرگان	۱۸۲۷	آموزشی	کرگان نوشن جنب ایمن	۹۱,۳۵۰,۰۰۰,۰۰۰	ادردصد نقد و اقساط ۱۰ساله	واگذاری بصورت فراراد و به دارندگان موافقت اموبی احداث مدرسه غیر دولتی صورت می پذیرد

آگهی برگزاری مزایده دو واحد آپارتمان تجاری

آستان قدس رضوی در نظر دارد

اجاره دو واحد آپارتمان تجاری به شرح ذیل را از طریق مزایده عمومی برگزار نماید. متقاضیان محترم می توانند از ساعت ۱۲:۰۰ روز دوشنبه ۱۴۰۴/۰۸/۱۹ تا ساعت ۱۲:۰۰ روز شنبه ۱۴۰۴/۰۸/۲۴ به اداره املاک و اراضی آستان قدس رضوی واقع در «شهر گرگان، خیابان سرخواجه، نبش سرخواجه ۴، مجتمع ثامن (پاساژ ثامن)، بالای کتابفروشی به نش، طبقه اول» مراجعه و پس از بررسی محل با واریز مبلغ ودیعه تعیین شده نسبت به شرکت در مزایده اقدام نمایند.

آپارتمان اول: واحد تجاری با مساحت حدود ۲۱۴ مترمربع با واقع در نبش سرخواجه ۱- طبقه اول – قیمت پایه اجاره ماهانه ۲۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

آپارتمان دوم: واحد تجاری با مساحت حدود ۲۱۴ مترمربع با واقع در نبش سرخواجه ۱- طبقه دوم – قیمت پایه اجاره ماهانه ۲۰۷/۰۰۰/۰۰۰ ریال

شماره تماس: ۳۲۲۲۶۱۶۱ و ۳۲۲۲۰۵۴۰

آستان قدس رضوی. اداره املاک و اراضی استان گلستان

کشمهر

۰۱۷۳۲۲۴۴۳۰۲

۰۱۷۳۲۲۵۱۳۱۶

غول خاکی گلستان در آستانه آبگیری

نشده است. ساختمانی که ابتدا به عنوان خانه بهداشت ساخته شد، اکنون متروکه و به دهیاری تبدیل شده است. تابلوی «خانه بهداشت روستای جنگلده پایین» هنوز بر سر در است، اما داخل آن هیچ تجهیزاتی نیست. اهالی برای خدمات درمانی هفت کیلومتر تا جنگلده بالا می روند.

پاسخ آب منطقه ای؛ از زمین معوض تا انتقال سند

مدیر طرح سد نرماب در پاسخ به گله ها اظهار کرد: از سال ۱۳۸۵ مطالعات اجتماعی انجام دادیم و بیشتر مردم اسکان مجدد خواستند که بر اساس آن، ۸۵ هکتار زمین در مرحله اول و ۱۱۵ هکتار در مرحله دوم خریداری شد و زمین های مازاد به عنوان سرمایه برای فرزندان خانواده ها در نظر گرفته شده است. ضیایی درباره سند افزود: زمین از منابع ملی به راه و شهرسازی واگذار شده بود و اکنون در حال انتقال به بنیاد مسکن است و به زودی اسناد به نام ساکنان صادر می شود.

غول خاکی گلستان در آستانه آبگیری

وی تأخیر در جابه جایی جنگلده بالا را نیز ناشی از تغییر نظر شورای روستا و محدودیت اعتباری فاینانس دانست و تأکید کرد: جابه جایی روستای جنگلده پایین به موقع بود و مردم از سیل ۱۳۹۷ در امان ماندند. وی به برخی ضرورت های ساخت این سد مانند قطع درختان واقع در مسیر سد گفت: برای قطع ۳۰ تا ۴۰ هکتار درخت در مسیر جاده و بلنه سد، ۸۵۰ هکتار جنگل در بالادست کاشته شده و طرح های آبخیزداری برای کاهش رسوب و افزایش عمر مفید سد نیز در حال اجرا است. سد نرماب بیش از یک سازه فنی و نماد پایان بی آبی شرق گلستان، تضمین امنیت غذایی برای هزاران کشاورز و سپری محکم در برابر سیلاب های ویرانگر است و وقتی دریاچه ۱۲۵ میلیون متر مکعبی آن پر شود، پنج شهرستان و ۱۴۰ روستا با آب پایدار سیراب خواهند شد، ۱۸ هزار هکتار زمین تشنه جان دوباره می گیرد و ظرفیت گردشگری منطقه، هزاران شغل جدید خلق می کند. گلایه های مردم جنگلده پایین مانند نداشتن سند با قول مسئولان برای صدور اسناد تا پایان سال جاری و واگذاری زمین های خریداری شده، در آستانه حل شدن است و این جابه جایی می تواند الگویی موفق برای توسعه پایدار باشد.

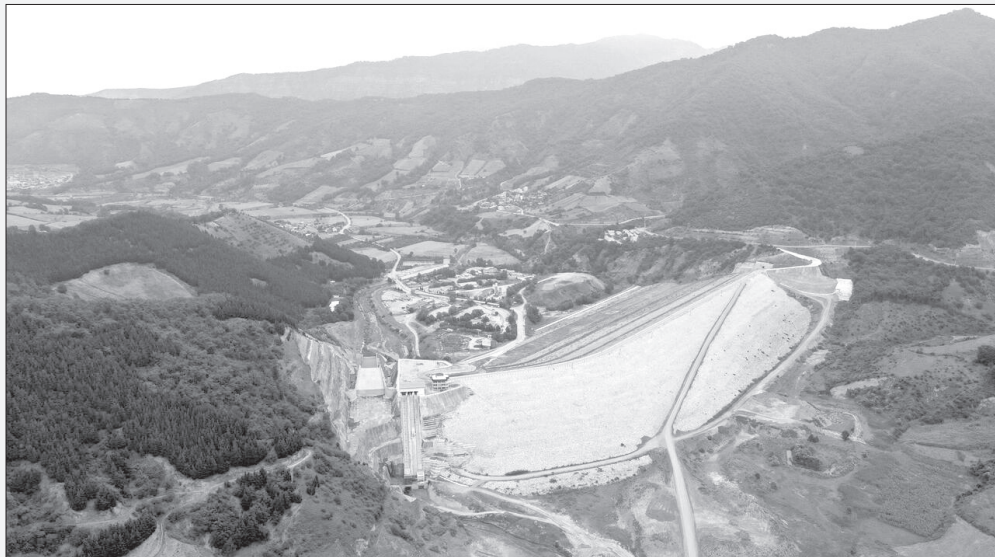
جنگلده پایین؛ ۹ سال سکونت بدون سند

جنگلده پایین، نخستین روستای جابه جا شده در کف مخزن، سال ۱۳۹۶ به تپه های مجاور منتقل شد و ۶۳ واحد مسکونی بر اساس مترائ قبلی منازل با ارفاق ۱۰ تا ۲۰ درصدی تحویل ساکنان گردید اما ۹ سال پس از اسکان، هیچ یک از خانه ها سند رسمی ندارند و امتیاز آب، برق و

جنگلده بالا (با ۷۰ درصد پیشرفت) آغاز می شود و نیازمند ۲۵۰۰ میلیارد تومان اعتبار است. وی گفت: مرحله دوم شامل جابه جایی سه روستای باقی مانده (محملمان خان، باقرآباد و پس پشته)، خرید ۳۰۰ هکتار زمین، احداث تونل ۶ کیلومتری انتقال از رودخانه خرمارود، سامانه انتقال و سد تنظیمی نقده خاندوز خواهد بود و ۷۵۰۰ میلیارد تومان نیاز دارد.

بدنه سد، سرریز، تونل ها، تأسیسات هیدرومکانیکال، ابزار دقیق و اتاق کنترل مرکزی ۱۰۰ درصد آماده بهره برداری است و تنها جابه جایی کامل روستاها و خرید اراضی باقی مانده مانع آبگیری است. مهدی ضیایی اظهار کرد: این سد، نخستین پروژه فاینانس داخلی (ماده ۵۶ قانون بودجه) در کشور است که با وجود تحریم ها، به مرحله پایان بدنه رسید. وی

سد نرماب، بزرگ ترین طرح آبی گلستان با حجم مخزن ۱۲۵ میلیون متر مکعب، پس از ۱۵ سال تلاش مهندسی، بدنه و تأسیساتش کامل شده و آماده آبگیری است که فقط برخی اقدامات مانند جابه جا نشدن کامل روستاهای واقع در کاسه مخزن، بهره برداری از این زیرساخت بزرگ را به تاخیر انداخته است. به گزارش ایرنا، سد نرماب بر رودخانه نرماب و با الحاق دو رودخانه فرعی چهل چای و خرمارود از طریق تونل های انتقال احداث شده است. این سازه خاکی با هسته رسی، ارتفاع ۶۰ متر از بستر رودخانه، طول تاج ۸۰۷ متر، عرض تاج ۱۰ متر و حجم بدنه ۷.۳ میلیون متر مکعب خاکریزی، ظرفیت تنظیم سالیانه ۱۹۰ میلیون متر مکعب آب را دارد. سرریز بتنی این سد با ظرفیت تخلیه ۸۵۰ متر مکعب بر ثانیه، سال گذشته جایزه ملی کیفیت را از آن خود کرد و کل پروژه در میان مگا پروژه های کشور، مدال نقره مدیریت را گرفت. ۲ تونل دوقلوی ۲۷۵ متری سد با قطر ۴.۵ متر برای انتقال آب آشامیدنی و کشاورزی و دیگری برای تخلیه اضطراری در دل کوه حفر شده اند که حفاری این تونل ها با آتشباری یک سال و بتن ریزی و تحکیم با لاینینگ بتنی هشت ماه طول کشید. سرناظر سد و شبکه نرماب با معرفی دیگر ویژگی های این سد گفت: دیوار آب بند پی به عمق ۹۵ متر (در پی آبرفتی ۷۰ متری) و طول ۶۰۰ متر، با ضخامت ۱.۲ متر و تکنولوژی هیدروفرز BS (۵۰) که برای اولین بار در سدهای بزرگ ایران مانند کرخه و گتوند استفاده شد، تضمین کننده پایداری سد است و بر اساس آزمایش های فشار منفذی اخیر، هیچ مشکلی در بخش های مکانیکی، الکتریکی و سازه ای این سازه وجود ندارد. عبدالحکیم جاوید اظهار کرد: تأسیسات هیدرومکانیکال شامل دریچه های سرویس و اضطراری (برای پدافند غیرعامل)، شیرآلات کنترل جریان، کابل کشی به اتاق کنترل مرکزی و ابزار دقیق (مانند سنسورهای رفتارنگاری دیوار آب بند) ۱۰۰ درصد نصب و آماده بهره برداری است و سیستم انحراف و تخلیه سد متشکل از دو تونل به طول ۲۷۵ متر و سد انحرافی چهلچای نیز ۹۰ درصد پیشرفت فیزیکی دارد. معاون طرح و توسعه شرکت آب منطقه ای گلستان و مدیر طرح سد نرماب هم گفت:



اولویت اصلی، تأمین ۴۰ میلیون متر مکعب آب آشامیدنی برای پنج شهرستان مینودشت، گنبد کاووس، گالیکش، کاله و آزادشهر به همراه ۱۴۰ روستا برای جمعیت ۷۰۰ هزار نفر است

غاز همچنان به نام آب منطقه ای است. یکی از ساکنان به ایرنا گفت: قرار بود سند بدهند تا وام بگیریم. نه سند، نه وام. زمین کشاورزی هم که ندادند. جوانان روستا بیکارند و فقط کارگری روزمزد داریم. دامدار سابق روستا افزود: آنجا گاو و گوسفند داشتم، حالا یک مرغ هم نمی توانم نگه دارم. زمین دامداری وعده دادند، اما خبری نیست. مغازه دار محلی با هزینه شخصی برق را از ۱۰۰ متری خانه همسایه کشیده و می گوید: گفتند هزینه را پرداخت می کنند، هنوز منتظریم. بسیاری از واحدها در سال اول ترک خوردگی و نمرزدگی داشتند که اهالی با پیگیری، بخشی از مشکلات را رفع کردند، اما راهپله، محافظ پنجره و برخی جزئیات ایمنی همچنان نصب

ضیایی اظهار کرد: اولویت اصلی، تأمین ۴۰ میلیون متر مکعب آب آشامیدنی برای پنج شهرستان مینودشت، گنبد کاووس، گالیکش، کاله و آزادشهر به همراه ۱۴۰ روستا برای جمعیت ۷۰۰ هزار نفر است. مدیر طرح سد نرماب ادامه داد: بقیه حجم سد برای آبیاری ۱۸ هزار هکتار زمین کشاورزی با شبکه آبیاری-زهکشی ۱۶ هزار میلیارد ریالی، کنترل سیلاب های مخرب سه شاخه اصلی گرگان رود با خسارت های چند هزار میلیاردی فصلی و ایجاد ظرفیت گردشگری برق آبی پنج مگاواتی در نظر گرفته شده است. وی تأکید کرد: آورد رودخانه ها (۱۳۰-۱۴۰ میلیون متر مکعب سالانه) تضمین کننده پر شدن مخزن در یک فصل است.

بیان کرد: برای ساخت این سد تاکنون سه هزار میلیارد تومان هزینه شده (از قرارداد اولیه ۳۷۳ میلیارد تومان در ۱۳۹۰، با تورم و هزینه های جانبی) و تکمیل پروژه نیازمند ۱۰ هزار میلیارد تومان دیگر که از محل مولدسازی املاک دولتی (ابلاغیه اخیر وزارت اقتصاد) تأمین خواهد شد. مدیر طرح سد نرماب ادامه داد: عمر مفید سد ۵۰ سال برنامه ریزی شده (برای پوشش کامل ۱۰ هزار هکتار کشاورزی و ۷۰۰ هزار نفر جمعیت) است اما با طرح های آبخیزداری بالادست، تا ۲۰۰ سال قابل تمدید خواهد بود. ضیایی افزود: مرحله نخست آبگیری این سد با حجم ۳۰ میلیون متر مکعب (یک دهم ظرفیت کل) پس از تکمیل جابه جایی روستای